

## روش تبلیغ چهره به چهره در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

حجت الاسلام والمسلمین دکتر کریم خان محمدی\*

### اشاره

ارتباطات میان فردی که عمدتاً به صورت «چهره به چهره»<sup>۱</sup> از طریق «کلامی»<sup>۲</sup> و «غیر کلامی»<sup>۳</sup> انجام می‌شود، در برابر ارتباط جمعی<sup>۴</sup> قرار می‌گیرد که در آن، پیام از طریق رسانه به مخاطبان بسیاری ارسال می‌شود که معمولاً برای پیام‌رسان، شناخته شده نیستند.<sup>۵</sup>

برخی معتقدند با پیدایش رسانه‌های جمعی امروز ارتباط میان فردی یا تبلیغ چهره به چهره از اهمیت افتاده و پخش برنامه‌های مذهبی از رسانه از اعزام مبلغ کفایت می‌کند. مک لوهان در دهه ۱۹۶۰م در یک دیدگاه جبرگرایانه نسبت به تأثیر فناوری معتقد بود که تلویزیون جای مدارس سنتی را خواهد گرفت و کودکی که در منزل تلویزیون تماشا نماید، بیشتر از کودکی که به مدرسه می‌رود، خواهد آموخت. اما تجربه تاریخی طی دهه‌های گذشته نشان داده است که هیچ کودکی از طریق رسانه‌های عمومی، بدون کمک مستقیم دیگران، باسواد نشده است.<sup>۶</sup>

پس ارتباطات جمعی نمی‌توانند جایگزین ارتباطات میان فردی گردند؛ هر کدام از اعتبار و جایگاه خاص خود برخوردارند؛ به‌ویژه این‌که رسانه‌های جمعی در انتقال مقولات مذهبی و مفاهیم عمیق اخلاقی و عرفانی از توان کافی بهره‌مند نیستند. نیاز

---

\* عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم ع.

1. face – to – face.
2. verbal.
3. Non verbal.
4. public/ mass communication.

۵. مبانی ارتباطات انسانی، ص ۱۶ - ۱۲.

۶. نظریه‌های ارتباطات، ص ۳۹۵.

امروز به ارتباطات چهره به چهره، کمتر از ادوار گذشته نیست. رسانه فقط می‌تواند «اطلاعات» را منتقل نماید. اما از طریق رسانه‌ها هرگز نمی‌توان به قلوب مردم دست یافت. ارتباط چهره به چهره و نفس به نفس است که قلوب را تسخیر می‌کند. به تعبیر مقام معظم رهبری: «دیروز روحانیت، عرصه حضورش، منبر و محراب مسجد بود و امروز این سؤال مطرح است که آیا این عرصه را تغییر دهد یا توسعه بخشد؟ مسلماً نباید آن را تغییر دهد؛ بلکه باید این عرصه را توسعه داده و رها نکند. مسجد پایگاه اصلی است و محل مواجهه رو در رو و چهره به چهره مردم با روحانیت... نباید رها شود. روحانیت وظیفه‌اش تداوم وظیفه پیامبران است.»<sup>۱</sup> بر فرض پذیرش اهمیت ارتباطات چهره به چهره، هیچ‌الگویی نمی‌تواند به اندازه سیره پیامبر اسلام ﷺ مهم و قابل استناد باشد؛ زیرا قرآن کریم پیامبر را اسوه مسلمانان معرفی نموده است؛ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»<sup>۱</sup> اولین نقش پیامبر ﷺ قبل از بشارت و ترساندن، «الگو» بودن است؛ «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا»<sup>۲</sup>

بنابراین، بررسی سیره ارتباطات میان‌فردی<sup>۳</sup> پیامبر ﷺ می‌تواند الگویی برای همگان، به ویژه طلاب در عرصه تبلیغ، ارائه نماید. منظور از روش، الگوی ثابتی است که در ادبیات دینی به آن سیره اطلاق می‌شود. واژه «سیره» در زبان عربی از «سیر» است. سیر، یعنی حرکت، رفتن؛ راه رفتن اما «سیره» یعنی نوع راه رفتن. پس سیر یعنی رفتار؛ ولی سیره، یعنی نوع و سبک رفتار. «پیغمبر اکرم مردی بود که در عمل سیره داشت، روش و اسلوب داشت، منطق داشت و ما مسلمانان موظفیم که سیره ایشان را بشناسیم، منطق عملی ایشان را کشف کنیم برای این‌که از آن منطق در عمل استفاده کنیم»<sup>۴</sup>

---

۱. احزاب، آیه ۲۱.

۲. احزاب، آیه ۴۵.

3. interpersonal communication.

۴. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، ص ۶۵.

## اصول تبلیغ چهره به چهره

با این مقدمه، به بیان اصول و فنونی می‌پردازیم که در سیره ارتباطی پیامبر ﷺ مشهود است.

۱. هنر گوش دادن: چشم و گوش به عنوان دو ابزار مهم ارتباطی در اندیشه پیامبر ﷺ به اندازه‌ای اهمیت دارند که حضرت آن دو؛ یعنی گوش شنوا و چشم بینا را میراث خویش به امت تلقی می‌نماید.<sup>۱</sup> البته در سیره پیامبر ﷺ شنیدن بر گفتن اولویت داشته و پیامبر ﷺ بیش از آن که بگوید، می‌شنید؛ به گونه‌ای که نابخردان همین امر را مایه طعن پیامبر ﷺ قرار داده و وی را «گوش» نامیدند. خداوند متعال در پاسخ آن‌ها، وی را «اذن خیر» می‌نامد؛ «از آنان کسانی هستند که پیامبر را می‌آزارند و می‌گویند: او [سراپا] گوش است - شنوای سخن هر کسی است - بگو: گوش نیکو است برای شما، به خدا ایمان دارد و مؤمنان را باور می‌دارد. و رحمتی است برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند.»<sup>۱</sup>

۲. تغییر موج ارتباط: پیامبر ﷺ در موارد فراوانی ارتباط با خدا را به جهت ارتباط با خلق خدا قطع می‌نمود. البته تأمل در این مهم، نشانگر این است که این قطع ارتباط نیز در راستای رضایت خداوند و گونه دیگری از ارتباط با خدا است. پس پیامبر ﷺ موج عوض می‌کرد و در واقع، اتصال با یکی، به مفهوم قطع ارتباط با دیگری نبود. در ادامه، به سه نمونه از این تغییر موج اشاره می‌شود.

الف. پیامبر ﷺ اگر حاجت مندی منتظر وی بود، برای رفع نیاز او نماز خویش را کوتاه می‌نمود. غزالی در کتاب احیاء علوم الدین می‌نویسد: «هرگاه کسی نزد پیامبر ﷺ می‌آمد و آن حضرت مشغول نماز بود او آن شخص کنار پیامبر ﷺ می‌نشست، پیامبر ﷺ به جهت او نمازش را کوتاه می‌کرد، رو به او نموده و می‌فرمود: آیا حاجتی داری؟ بعد از آن که حاجت او را برآورده می‌نمود، باز به نماز می‌ایستاد.»<sup>۱</sup>

ب. پیامبر ﷺ در حال نماز جماعت هرگاه صدای گریه کودکی را می‌شنید، برای این‌که مادرش از نماز فارغ گشته و به وی رسیدگی نماید، نماز را کوتاه می‌کرد. امام

۱. طباطبائی، محمدحسین، سنن النبی، ترجمه عباس عزیزی، ص ۳۰۷.

باقر علیه السلام فرمود: هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام نماز، صدای گریه طفلی را می‌شنید، نمازش را کوتاه می‌کرد تا مادرش به او رسیدگی نماید.<sup>۱</sup>

ج. پیامبر صلی الله علیه و آله در روزهای بارانی برای ایجاد ارتباط مثبت با خلق خدا، نماز خویش را کوتاه می‌کردند. امام صادق علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب‌های بارانی، نماز مغرب را به عقب می‌انداخت و در خواندن نماز عشاء عجله می‌نمود و هر دو را با هم می‌خواند و می‌فرمود: آن کسی که به دیگران رحم نکند، به او رحم نخواهد شد.»<sup>۲</sup>

۳. توازن ارتباطی: رسول خدا صلی الله علیه و آله تلاش فرمود ارتباطات متوازن در جامعه افزایش پیدا کند و حتی برای کسانی که دسترسی به ارتباط مستقیم نداشتند، زمینه‌های ارتباط غیر مستقیم را فراهم نموده و می‌فرمود: «می‌بایست که حضار به گوش افراد غایب برسانند و نیاز و حاجت اشخاصی را که به من دسترسی ندارند، به من ابلاغ نمایند و آگاه باشید هر کس که نیاز شخص ناتوانی را نزد سلطانی بازگو کند، خداوند نیز قدم‌های او را در روز قیامت محکم و استوار می‌سازد.»<sup>۳</sup>

پیامبر صلی الله علیه و آله نه تنها از مردم گریزپای نبود، بلکه خویشان را در معرض ارتباط قرار می‌داد. آیا هرگز تأمل کرده‌اید که چرا مسیر رفت و برگشت پیامبر صلی الله علیه و آله همواره متفاوت بود؟

سکونی روایت می‌کند «پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه برای نماز عید از راهی می‌رفتند، هنگام بازگشت، از راه دیگری بر می‌گشتند.»<sup>۴</sup> البته این امر یک اتفاق نبود، بلکه «سیره» و روش پیامبر همین بود. موسی بن‌بزیع می‌گوید: «به امام رضا علیه السلام گفتم: فدایت شوم! مردم می‌گویند هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله از راهی عبور می‌کرد، هنگام مراجعت از راه دیگری باز می‌گشت. آیا این مطلب درست است؟ امام علیه السلام فرمود: آری! همین‌گونه است. من هم خیلی وقت‌ها همین کار را می‌کنم. این، کار سودمندتری است.»<sup>۵</sup>

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۴۲.

۲. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، ج ۲، ص ۳۲.

۳. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۱۶، ص ۱۴۸.

۴. شیخ صدوق، علل الشرائع، ص ۵۱۱.

۵. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۱۴.

آری، پیامبر ﷺ با این منش رفتاری، خویشتن را به عدالت در معرض ارتباطات میان فردی قرار می‌داد و نمی‌خواست ساکنان مسیر ویژه‌ای از امتیاز ارتباط با پیامبر ﷺ برخوردار باشند. جالب این‌که پیامبر ﷺ نه تنها مسیر رفت و برگشت را تغییر می‌داد، بلکه «کلاً آن حضرت در رفتن به سوی مصلی درازترین راه و در بازگشت کوتاه‌ترین راه را انتخاب می‌نمود.»<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد پیامبر ﷺ در مسیر رفت با ایجاد ارتباطات چهره به چهره مردم را برای شرکت در مناسک جذب می‌کرد و در بازگشت چنین انگیزه‌ای وجود نداشت.

۴. پرهیز از موانع: پیامبر ﷺ از عواملی که ممکن است در ارتباط چهره به چهره مانع ایجاد کند، پرهیز می‌کرد. بنابراین، «از آن روزی که خدا خلقش کرده، بوی بدی از وی به مشام نرسیده است.»<sup>۲</sup> پیامبر ﷺ از همه گونه غذای در دسترس میل می‌نمود، اما از خوردن غذاهایی که دهان را بد بو می‌کند، ابا داشت. با این‌که پیامبر ﷺ خوردن پیاز و سیر را مفید می‌دانست، اما از خوردن آن به هنگام حضور در محافل عمومی پرهیز داشت و به اصحاب خویش توصیه می‌فرمود: «کسی پیاز، سیر یا تره بخورد، به مسجد وارد نشود.»<sup>۳</sup> پیامبر وقتی مشاهده نمود بوی بد مردم جریان ارتباطی در مسجد را مخدوش می‌نماید، برای ایام عید و جمعه «غسل» را ترغیب و تشویق فرموده و برای آن ثواب قائل شد. امام صادق علیه السلام فرمود: «علت تشریح غسل جمعه این بود که انصار در همه هفته به کار شتران آبکش و سایر حیوانات خود سرگرم بودند. وقتی روز جمعه می‌شد، بی‌آن که بدن خویش را بشویند، وارد مسجد می‌شدند و مردم از بوی بدن آن‌ها ناراحت می‌شدند. به همین جهت، رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد که در روز جمعه غسل نمایند.»<sup>۴</sup> غسل روز عید فطر و شب‌های ماه رمضان که مردم در مسجد تجمع دارند، استحباب دارد.<sup>۵</sup>

۵. خودآرایی: پیامبر ﷺ خویشتن را به تجهیزاتی که فرایند ارتباط را بهبود می‌بخشد، مجهز می‌ساخت. از این رو، «بیشتر لباس‌های پیامبر، سفیدرنگ بود و برای

۱. ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج ۲، ص ۲۲۱.

۲. شیخ صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۱۱.

۳. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۲۷۹.

روز جمعه لباس ویژه داشت.<sup>۱</sup> پیامبر ﷺ علاوه بر خود به دیگران نیز توصیه می‌نمود که لباس سفید بپوشند.<sup>۲</sup>

علاوه بر رنگ لباس، پیامبر به ساختار لباس، یعنی تناسب آن نسبت به بدن خویش نیز توجه داشت. پیامبر ﷺ قبایی حریر داشت که وقتی می‌پوشید، رنگ سبز آن با سپیدی صورت آن حضرت زیبا جلوه می‌کرد.<sup>۳</sup> رسول خدا ﷺ عبایی سیاه‌رنگ داشت که آن را بخشید. ام سلمه گفت: پدر و مادرم فدایت! آن عبا چه شد؟ پیامبر ﷺ فرمودند: آن را بخشیدم! ام سلمه گفت: چیزی زیباتر از سپیدی شما در سیاهی آن عبا ندیده بودم؛<sup>۴</sup> یعنی سپیدی پیامبر ﷺ با سیاهی عبا؛ به عبارت دیگر، ساختار این ترکیب، هماهنگی و زیبایی ویژه ایجاد می‌کرد.

پیامبر ﷺ نه تنها هیچ‌گاه بوی بد نداشت، بلکه همواره معطر بود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: رسول خدا ﷺ عطر دانی داشت که بلافاصله بعد از هر وضو، آن را به دست گرفته و خود را عطرآگین می‌نمود. در نتیجه، هنگامی که از خانه خارج می‌شد، بوی عطر در گذرگاه آن حضرت می‌پیچید.<sup>۵</sup>

و همو فرموده: رسول خدا ﷺ بیشتر از مقداری که برای خوراک خرج می‌نمود، پول برای عطر می‌داد.<sup>۶</sup> پیامبر به شانه زدن سر و محاسن تقید داشت. همواره مسواک می‌زد و به دیگران نیز، به‌ویژه جهت شرکت در مجامع، توصیه اکید داشت.<sup>۷</sup>

۶. توجه مساوات‌طلبانه: شاید نتوان الگویی برای ارتباط آزاد، مساوات‌طلبانه، عادلانه و دو سویه، نظیر رابطه پیامبر ﷺ با اصحاب خویش پیدا نمود. در مجلس رسول خدا ﷺ معمولاً جلسات به صورت حلقه‌ای تشکیل می‌شد و هیچ فردی به لحاظ محل جلوس بر دیگری امتیازی نداشت؛<sup>۸</sup> حتی نگاه پیامبر ﷺ نیز به تساوی توزیع می‌شد.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

۲. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۲۳.

۳. سنن النبی، ص ۱۶۷.

۴. همان، ص ۱۶۹.

۵. الکافی، ج ۴، ص ۴۳.

۶. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۵۱۲.

۷. الکافی، ج ۶، ص ۵۰۵ - ۴۹۵.

۸. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الصحابة، ج ۲، ص ۷۵۱.

امام صادق علیه السلام فرمود: «رسول خدا ﷺ به طور مساوی و یکنواخت به یارانش نگاه می کرد.»<sup>۱</sup>

این الگو به دیگران نیز توصیه شده است. بدین ترتیب، «یکی از سنت‌های پیامبر ﷺ این است که هرگاه با عده‌ای صحبت می‌کنی، در میان آن‌ها تنها به یک نفر معین توجه نمایی، بلکه همه را مورد توجه خود قرار دهی.»<sup>۲</sup> متغیرهایی همانند: سن، جنس، ثروت و قدرت در شیوه ارتباط میان فردی پیامبر تأثیرگذار نبود؛ به عنوان نمونه:

الف. پیامبر ﷺ در مواجهه با دیگران هیچ‌وقت برای خودش موقعیت فرادست اتخاذ نمی‌کرد. «هنگامی که سوار بر مرکبی بود، اجازه نمی‌داد که کسی پیاده همراه او حرکت کند؛ یا او را همراه خود سوار بر مرکب می‌نمود یا اگر شخص مقابل قبول نمی‌کرد، پیامبر ﷺ می‌فرمود: تو جلوتر برو و در فلان جا منتظر من باش.»<sup>۳</sup>

ب. «پیامبر ﷺ هیچ‌گاه فقیری را به دلیل فقر یا بیماری‌اش تحقیر نمی‌کرد و از هیچ‌سلطانی به جهت ملکش نمی‌ترسید. فقیر و سلطان را به یک شکل به سوی خدا دعوت می‌نمود و این و آن در نظرش یکسان بود.»<sup>۴</sup>

ج. پیامبر ﷺ همچنان‌که برای بزرگ‌سال منتظر، نماز خویش را کوتاه می‌کرد، برای کودک گریان نیز نماز را کوتاه‌تر می‌نمود.<sup>۵</sup>

قطب راوندی گوید: «رسول خدا به بزرگ و کوچک سلام می‌نمود.»<sup>۶</sup> در سیرت رسول خدا ﷺ محبت به کودک زمینه‌ساز پرورش جوانانی بود که شایستگی امیری لشکر پیامبر ﷺ را کسب می‌نمودند. محمد بن حوط نقل می‌کند: «هنگامی که أسامة بن زید پسر بچه‌ای بود و تازه به مدینه آمده بود، دچار آبله گردیده و آب بینی او بر روی لب‌هایش می‌ریخت و عایشه از او نفرت داشت. پیامبر ﷺ آمد و شروع به شستن

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۷۱.

۲. ابن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۳۲.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۷۳.

۴. سنن النبی، ص ۷۴.

۵. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۱.

۶. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۴.

صورت او کرد و او را بوسید. عایشه گفت: به خدا سوگند! از این پس، او را از خود دور نمی‌کنم و نمی‌رانم.<sup>۱</sup>

د. پیامبر ﷺ برخورد یکسانی را با زنان و مردان به نمایش می‌گذاشت. امام صادق علیه السلام فرمود: «رسول خدا ﷺ به زن‌ها سلام می‌کرد. آن‌ها نیز جواب سلام آن حضرت را می‌دادند.»<sup>۲</sup>

۷. مثبت‌گرایی: پیامبر اکرم ﷺ مثبت‌گراترین مرد عالم است. پیامبر ﷺ نگرش مثبت به خود و دیگران داشت و تکیه‌گاه این نگرش، اعتماد به خداوند بود. پیامبر ﷺ همه عالم را جلوه الهی می‌پنداشت و هیچ مخلوقی را زاید و خارج از حکمت تلقی نمی‌نمود. از این رو، به مثابه ایمانش، مثبت‌اندیش‌ترین مرد عالم بود. آموزه‌هایی مانند: «حسن ظن»، «توکل»، «امید»، «انتظار»، «کتمان سر»، «تفأل به خیر» در مکتب پیامبر ﷺ، حکایت از مثبت‌گرایی پیامبر اسلام است. در سیره محمد ﷺ هنگام مواجهه با فقرا، واژه «نه» وجود نداشت. به گفته علی علیه السلام: «هنگامی که از رسول خدا ﷺ چیزی درخواست می‌کردند، اگر اراده می‌نمود، جواب مثبت می‌داد و اگر قصد انجام آن را نداشت، سکوت می‌کرد؛ اما هیچ‌گاه کلمه «نه» را بر زبان جاری نمی‌ساخت.»<sup>۳</sup> البته سکوت در مرتبه سوم قرار داشت. «تا آن جا که برایش امکان داشت، نیاز درخواست‌کننده را برآورده می‌ساخت؛ و گرنه با زبان نرم و شیرین او را راضی می‌نمود؛ ولی هرگز جواب «نه» نمی‌گفت.»<sup>۴</sup>

در ارتباطات میان‌فردی، پیامبر ﷺ از همه عواملی که ممکن است «مثبت‌گرایی را خدشه‌دار نماید، پرهیز داشت. رسول خدا ﷺ به یاران خویش می‌فرمود: «بدی‌های خودتان را نزد من بازگو نکنید؛ چرا که من دوست دارم با دلی آرام و عاری از هر کدورتی نزد شما بیایم.»<sup>۵</sup> اصولاً پیامبر ﷺ نه تنها به خویشان و دیگران نگرش مثبت

۱. واقدی، مغازی: تاریخ جنگ‌های پیامبر ﷺ، ص ۸۶۰.

۲. علل الشرائع، ج ۳، ص ۴۶۷.

۳. واقدی، همان، ص ۸۲۸.

۴. طبرسی، حسن، مکارم الاخلاق، ص ۲۳.

۵. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۳۰.



(حسن ظن) داشت، بلکه از منفی‌بافی و تاریک‌اندیشی متفر بود. پیامبر همواره فال بد زدن را ناخوش داشت؛ اما فال زدن به خیر را دوست داشت.<sup>۱</sup>

**۸. حمایت‌گری:** ارتباطات میان فردی پیامبر ﷺ به گونه‌ای حمایت‌گرانه بود که هیچ فردی از بیان خواسته‌های خویش در نزد وی هراس نداشت. پیامبر ﷺ «جلالت و هیبت خاصی داشتند»<sup>۲</sup> اما بر خلاف پادشاهان که در راستای هیبت‌افزایی تلاش می‌نمودند، پیامبر ﷺ سعی می‌کرد این هیبت را شکسته و مردم را به گفتگوی رها از ترس ترغیب نماید. ابن مسعود می‌گوید: «مردی می‌خواست با پیامبر ﷺ سخن بگوید؛ ولی مرعوب هیبت آن حضرت شد و لرزید. پیامبر ﷺ به او فرمود: بر خودت آسان گیر، من پادشاه نیستم؛ بلکه پسر زنی هستم که گوشت خشکیده می‌خورد»<sup>۳</sup>. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از رأفت و مهربانی پیامبر ﷺ این بود که با یاران خود مزاح می‌نمود تا این‌که عظمت و بزرگی‌اش آن‌ها را نگیرد تا بتوانند به او نگاه کرده و نیازهای خود را بازگو نمایند»<sup>۴</sup>. آری، رفتار میان‌فردی رسول خدا ﷺ به کلی با رفتار پادشاهان متفاوت بود. «همانا، بر روی زمین غذا می‌خورد و همانند بندگان می‌نشست و کفش خود را با دست خویش وصله می‌کرد و بر دراز گوش لخت سوار می‌شد و شخص دیگری را هم ردیف خود سوار می‌نمود»<sup>۵</sup>.

**۹. همراهی و همدلی:** سازگاری با مردم از اصول اساسی ارتباط میان‌فردی پیامبر است و در این زمینه از قدرت انطباقی بسیار بالایی برخوردار بود. همان‌گونه که قرآن نازل شده تا در سطح درک انسان‌ها بگنجد، پیامبر ﷺ نیز تواضع کرده و در سطح مخاطبان و نیازهای آن‌ها ارتباط برقرار می‌کرد. اگرچه پیامبر ﷺ اصول ثابتی داشت که در همه زمینه‌ها و برای همه انسان‌ها آن‌ها را ترویج می‌کرد، اما این اصول در قالب‌های مختلف به تناسب مخاطبان تغییر شکل می‌یافت. زیدبن ثابت می‌گوید: «هرگاه با رسول خدا ﷺ همنشین می‌شدیم، اگر صحبت از آخرت بود، پیامبر هم، همراه با ما، راجع به آن صحبت می‌فرمود و اگر درباره دنیا گفتگو می‌کردیم، با ما درباره دنیا صحبت

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ص ۳۷۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۹.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۰۷.

۴. همان، ص ۲۶۸.

می‌فرمود و اگر راجع به خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها سخن به میان می‌آمد، باز با ما درباره آن صحبت می‌فرمود.<sup>۱</sup>

۱۰. خوش‌رویی و پرهیز از رفتارهای ابهام‌زا: پیامبر ﷺ در منش ارتباطی خویش، از عوامل ابهام و اختفا پرهیز می‌کرد. به گونه‌ای رفتار نمی‌کرد که طرف مقابل احساس نماید حوزه‌های ابهام وجود دارد و پشت پرده اطلاعاتی وجود دارد و پیامبر ﷺ از آن‌ها مخفی می‌کند. از این رو، پیامبر ﷺ به کسی خیره نمی‌شد<sup>۲</sup> و با چشم و ابرو یا دست اشاره نمی‌کرد.<sup>۳</sup> اشاره کردن را شأن پادشاهان دانسته و می‌فرمود: «اشارت کردن، خیانت است و شایسته هیچ پیامبری نیست که اشاره کند.»<sup>۴</sup>

اصولاً «گفتگو» و به عبارت دیگر «بازکردن سر سفره دل» و در نتیجه ارائه اطلاعاتی از خود که با سلام، مصافحه و همنشینی شروع می‌شود، در مکتب اسلام اهمیت به‌سزایی دارد. بر خلاف نظریه‌پردازان دوره مدرنیته که «بی‌تفاوتی مدنی» را ترویج می‌کنند،<sup>۵</sup> رسول خدا ﷺ گفتگوی مدنی را ترویج و در ارتباطات میان‌فردی، به آموزه‌های زیر ملتزم بود:

**الف. مصافحه:** هنگامی که پیامبر ﷺ به مسلمانی می‌رسید، ابتدا با وی دست داده و مصافحه می‌کرد.<sup>۶</sup> پیامبر ﷺ مصافحه را قبل از طرف مقابل قطع نمی‌کرد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هرگز نشد که رسول خدا ﷺ با کسی دست بدهد و زودتر از طرف مقابل، دست خود را از دست او بیرون بکشد تا آن‌گاه که آن طرف، دست پیامبر ﷺ را رها می‌ساخت.»<sup>۷</sup>

**ب. سلام:** رسول خدا ﷺ به هر کسی می‌رسید - کوچک و بزرگ - سلام می‌داد.<sup>۸</sup> اگر کسی پیش‌دستی کرده و جلوتر سلام می‌داد، «اگر می‌گفت: سلام علیک، پیامبر ﷺ

۱. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۳۵.

۲. همان، ۲۳۶.

۳. همان، ۳۳۲.

۴. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۳۹.

۵. پیامدهای مدرنیته، ص ۹۶.

۶. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

۷. الکافی، ج ۲، ص ۱۸۲.

۸. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۶۴.

در جواب می‌فرمود: وعلیک السلام ورحمة الله، و هنگامی که آن مسلمان می‌گفت: السلام علیک ورحمة الله، می‌فرمود: وعلیک السلام ورحمة الله وبرکاته، و این گونه بود که رسول خدا ﷺ جواب سلام را اضافه‌تر می‌داد.<sup>۱</sup>

ج. مجالست: پیامبر در شروع گفتگو، با سلام و مصافحه پیش‌دستی می‌کرد و هیچ‌گاه گفتگوی همدلانه و مجالست را قطع نمی‌کرد. علی رضی الله عنه می‌فرماید: «هرگز نشد که کسی با پیامبر آغاز به صحبت نماید و او پیش از طرف مقابل، سکوت نموده و گفتگو را قطع نماید.»<sup>۲</sup> هرگاه شخصی وارد شده و نزد رسول خدا ﷺ می‌نشست، پیامبر هرگز از جای خویش بر نمی‌خاست، تا آن‌گاه که خود آن شخص برخیزد.<sup>۳</sup> حتی موقع جدایی، میهمان را مشایعت می‌نمود.<sup>۴</sup>

### سخن پایانی

مطالعه سیر زندگانی پیامبر ﷺ نشان می‌دهد که «ارتباطات میان‌فردی و چهره به چهره» در انجام رسالت الهی نقش به‌سزایی دارد، اصول و قواعد ارتباطات میان‌فردی پیامبر ﷺ را می‌توان در گزاره‌های ذیل تلخیص نمود.

الف. پیامبر ﷺ از مردم گریزپای نبود و در نهایت توان، خویشتن را در معرض ارتباطات میان‌فردی قرار می‌دادند.

ب. پیامبر ﷺ از همه زمینه‌های ساختاری برای برقراری ارتباط با توده مردم استفاده می‌کردند.

ج. پیامبر ﷺ در پشت صحنه، زمینه‌ها را به گونه‌ای فراهم می‌کردند که ارتباط به شکل مطلوب و عاری از مانع صورت بگیرد.

د. پیامبر ﷺ تلاش می‌کردند از همه موانع ارتباط پرهیز نموده و صحنه را برای گفتگوی دوطرفه آماده نمایند.

---

۱. همان، ص ۳۷۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۳۶.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۳۸.

۴. سنن النبی، ص ۱۰۸.

هر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اصل مساوات را در ارتباط میان فردی مراعات کرده و به گونه‌ای رفتار می‌کردند که در تعاملات اجتماعی نقش متغیرهایی مانند: سن، جنس، قدرت و ثروت، به حداقل ممکن تنزل نماید و مخاطب احساس «فرودستی» نداشته باشد.

و. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به گونه‌ای حمایتگرانه گفتگو می‌کردند که مخاطب هیچ گونه احساس بازخواست ننموده و بدون ترس و واهمه، خواسته‌های خود را مطرح نماید.

ز. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از گشودگی بسیار بالایی برخوردار بوده و با بشاشت، خوشرویی و پرهیز از رفتارهای ابهام‌زا، مخاطب را به گفتگو ترغیب می‌نمودند.

ح. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با مثبت‌گرایی، گفتمان: «امید»، «خوش‌بینی»، «توکل» و «انتظار» را ترویج نموده و اصل «تجاهل» و «تغافل» نسبت به مخالفان را جایگزین اصل «تجسس» کردند.

#### منابع:

۱. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، قم، آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد، مناقب آل ابی طالب عَلَيْهِمُ السَّلَام، قم: مؤسسه انتشارات علامه، چاپ اول، ۱۳۷۹ق.
۳. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله، کتاب الاستیعاب، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۹۹۲م.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۵. حسن بن فضل طبرسی، رضی الدین، مکارم الاخلاق، قم: انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۶. ریتزر، جورج، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی، چاپ هشتم، ۱۳۸۳ش.
۷. سورین، ورنر و تانکارد، جیمز، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۸. سید بن طاوس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۹. شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۱۰. \_\_\_\_\_، علل الشرائع، قم: انتشارات مکتبه‌الداوری، بی‌تا.

روش تبلیغ چهره به چهره در سیره پیامبر اعظم ﷺ ■ ۳۷

۱۱. شیخ طوسی، محمد بن الحسن، التهذیب، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۱۲. علامه طباطبائی، سید محمدحسین، سنن النبی، ترجمه عباس عزیزی، تهران: صلاة، ۱۳۸۵ش.
۱۴. علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۱۵. فرهنگ، علی اکبر، مبانی ارتباطات انسانی، تهران: رسا، چاپ هفتم، ۱۳۸۲ش.
۱۶. گافمن، اروین، داغ ننگ، ترجمه مسعود کیانپور، تهران: نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۱۷. گیلدنز، آنتونی، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۱۸. محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۸ق.
۱۹. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، تهران: صدرا، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۱ش.
۲۰. واقدی، محمد بن عمر، مغازی: تاریخ جنگ‌های پیامبر ﷺ، ترجمه دکتر محمود مهدوی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۹ش.
۲۱. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، قم: انتشارات مکتبه الفقهیه، ۱۳۷۶ق.
۲۲. مقام معظم رهبری، حرم مطهر امام رضا علیه السلام، سخنرانی برای طلاب مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۶.
۲۳. کلینی، محمد ابن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.